

رہایی موطن صلح جهانی و بازگرداندن بہشت و زمین بہ خدا

خانوادہی ایدہآل خدا و پادشاہی دنیاۓ ایدہآل صلح آمیز

رورند سان میانگ مون

اوت - اکتبر دوہزار و شش، ششمین سال جان ایل گوک

سفیران محترم صلح، رهبران محترم جهانی، خانواده‌های عزیز برکت گرفته، خانمها و آقایان! نخست مایل هستم تا مراتب قدردانی خود را از شما برای تلاشهایتان در مسیر تحقق صلح برای بشریت، مخصوصاً بخاطر حمایت‌هایتان از فدراسیون صلح جهانی بعمل آورم. همانطور که مطلع هستید، من بدنال مراسمهای تاجگذاری برگزار شده در ساختمان مجلس سنای ایالات متحده آمریکا و همینطور در مجلس سنای کره‌ی جنوبی در سال دوهزار و چهار، که در طی آن بعنوان پادشاه صلح معرفی شدم، فدراسیون صلح جهانی را در روز دوازدهم سپتامبر دوهزار و پنج در شهر نیویورک تاسیس کردم. من بر اساس این پایه‌های پیروزی، در جهت تاسیس واقعی جان ایل گوک، مراسم ورود به "جان جان گون" و مراسم تاجگذاری والدین راستین در مقام پادشاه و ملکه‌ی صلح جهانی را در روز سیزدهم ژوئن امسال برگزار کردم.

خانمها و آقایان، من بلافاصله بدنال افتتاح فدراسیون صلح جهانی، يك تور سخنرانی در سطح دنیا را آغاز کردم که مرا به صد و بیست کشور دنیا کشاند. همسر، دکتر هاگ جاهان مون، بعنوان نماینده‌ی والدین راستین، با به ارث بردن پیروزی اولین تور سخنرانی جهانی، تور اعلان کلام را در صد و هشتاد کشور با موفقیت به انجام رسانده و مثبت تاریخی همکاری مادر و پسر را تکمیل نمود. او در مقام والدین راستین در همراهی با فرزندان راستین با اعلام کلام خدا، مراسم برکت صلح جهانی را رهبری نموده و از این طریق، حوزه‌ی نسب خونی و حوزه‌ی هابیل و قابیل—که توسط حوا، اولین مادر خانواده‌ی بشری، از دست رفته بود—را بازسازی کرده و به خدا بازگردانیدند.

خانمها و آقایان، بیستم اوت امسال برابر بود با بیست و یکمین سالگرد آزادی من از زندان دبری در ایالات متحده، که آخرین مرحله از شش بار زندانی شدن ناعادلانه‌ی من در طی زندگی‌ام بود. آزادی من در آن روز نشانه‌ی پیروزی بر دوره‌ی زندان در سطح جهانی و نیل به حوزه‌ی آزادی کامل (از بندهای درون) و رهایی کامل (از بندهای بیرون) بود. من برای گرامیداشت این روز و همچنین خوشامدگویی و عرض تبریک به همسرم بخاطر به اتمام رساندن تور سخنرانی جهانی، يك گردهمایی صلح در سطح جهانی در کشور کره برگزار کردم که در آن بیش از سی هزار نفر از رهبران اصلی از میان يك میلیون و دویست هزار سفیر صلح در صد و بیست کشور دنیا شرکت نموده و مصمم شدند تا برای تحقق صلح جهانی متعهد باشند.

اکنون بر اساس پایه‌ی چنین حوزه‌های پیروزی مشیت شده، من به همراه سه نسل از خانواده‌ی والدین راستین، در مقام پادشاه صلح جهانی، برای اعلام پیام محرمانه‌ی خدا—که او بعد از ظهور پادشاهی بهشتی برای بشریت این عصر روی زمین فرستاده است—به هر گوشه‌ی دنیا می‌رویم.

رهبران محترم، امیدوار هستم که شما بتوانید قلب جدی مرا در این روز برای گرامیداشت اولین سالگرد افتتاح فدراسیون صلح جهانی احساس نمائید. تور سخنرانی را که من بلافاصله بعد از تاسیس این فدراسیون آغاز کردم براساس يك راهپیمایی بی‌امان بود. من در جهت ابلاغ پیام مخصوص خدا برای تاسیس پادشاهی فدراسیون صلح جهانی حتی به يك نفر بیشتر، در این مسیر فداکاری گام نهدم. این موضوع در مورد تور سخنرانی کنونی (سومین تور صلح جهانی) صادق است.

با فرارسیدن سن هشتاد و هشت سالگی‌ام، اگر چه نمی‌دانم که در کجا و در چه زمانی ممکن است بمیرم، اما قبل از این تمامی زندگی‌ام را در این راه نهاده‌ام و این شاید آخرین تور سخنرانی جهانی من باشد. من پیامهای محرمانه‌ی خدا را برایتان آشکار می‌کنم. این شاید آخرین پیامی باشد که والدین راستین تعیین شده از جانب خدا، برای بشریت بجای خواهند گذاشت. من از شما خالصانه می‌خواهم تا با گشایش قلبتان این سخنان الهی را در عمق وجودتان حگ نمائید. با امید به اینکه شما با فرزاندگی در حفظ این کلام بعنوان استانداردهای زندگی خودتان و انتقال آن به خانواده، قبیله و بازماندگانتان و همینطور مردم جامعه‌ی خودتان کوشا باشید.

خانمها و آقایان، سخنان امروز من تحت عنوان "خانواده‌ی ایده‌آل خدا و پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح آمیز" پیام مخصوص خدا، چکیده‌ای از سخنان من در طی يك سال گذشته در دادن آموزش به شش میلیارد و پانصد میلیون انسان روی زمین می‌باشد. این سخنان برای یادآوری نقش و وظیفه‌ی شما از دیدگاه مشیت الهی و اهمیت عصری است که در آن زندگی می‌کنیم.

ظهور فدراسیون صلح جهانی

خانمها و آقایان، مردم در طول تاریخ تنها براساس تلاشهای بشری بطور مداوم برای صلح کار کرده‌اند. يك مثال بارز آن درگیریهای دمکراسی و کمونیسم است. از لحاظ بیرونی تفاوت بین این دو، در میزان برسمیت شناختن و تضمین آزادی و حقوق فردی است اما از نقطه نظر مشیت الهی، آنها بسان دو فرزندی هستند که والدین خود را از دست داده‌اند. این دو به ترتیب در دو جایگاه قابیل و هابیل قرار گرفته و در تله‌ی درگیریهای برادرانه بدام افتاده‌اند.

نهضت‌های بشری برای صلح در طول تاریخ بطور اجتناب ناپذیری با يك پایان اجباری شکست خوردند، زیرا انسان‌های ناقص آنها را هدایت می‌کرده‌اند. به همین دلیل سازمان ملل اگر چه با يك رویای باشکوه برای تحقق صلح جهانی آغاز شد، اما امروز به محدودیت ذاتی خود اقرار کرده و اعتراف می‌کند که نمی‌تواند برای بشریت امیدبخش باشد. دلیلش آن است که سازمان ملل در دوران قبل از ظهور پادشاهی بهشتی آغاز به کار کرد، یعنی زمانی که خدا نمی‌توانست بطور مستقیم مشیت الهی آشکار شده در تاریخ را هدایت کند.

اکنون برای فدراسیون صلح جهانی بطور کامل این امکان وجود دارد که ماموریت خود را در جهت اتحاد بهشت و زمین و تشکیل پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز به انجام برساند، چرا که نماینده‌ی پیروزی خدا و ثمره‌ی اشک، عرق و خون والدین راستین و امیدی گرمی بخش برای شما عزیزان است. در جهت نوسازی سازمان ملل و ارائه‌ی رهبری برای حاکمیت صلح جهانی، این فدراسیون در برابر سازمان ملل نوع قابیلی کنونی، بعنوان نماینده‌ی چنان ایل گوگ دارای ماموریت پادشاهی هابیلی است. بنابراین لطفاً به خاطر بسپارید که تاسیس سرزمین واقعی خدا یعنی همان دنیای ایده‌آل آفرینش خدا، ماموریتی بهشتی است که به شما رهبران جهانی اعطاء شده است.

هدف آفرینش خدا

رهبران محترم جهانی، فکر می‌کنید که هدف نهایی خدا در آفرینش بشریت چه بود؟ بطور ساده، برای تجربه‌ی شادی از طریق ایجاد ارتباط با خانواده‌های ایده‌آل لبریز از عشق راستین بود. بنابراین يك خانواده‌ی ایده‌آل به چه می‌ماند؟ وقتی که خدا نخستین بار انسان را آفرید، آدم را نماینده‌ی تمامی مردان و حوا را نماینده‌ی تمامی زنان قرار داد با این نیت که آنها مالکان عشق راستین بشوند. در این صورت، سریعترین راه برای آنها در برخورداری از شخصیت عشق راستین چه بود؟ بطور خلاصه، برای تضمین رابطه‌ی والدین فرزند با خدا بود که بدینوسیله آنها می‌توانستند در ملازمت به خدا، بعنوان پدرشان زیسته و يك خانواده‌ی الگو، تجسم ایده‌آل صلح خدا را تشکیل بدهند. قرار بود تا آنها از راه زیستن با خدا در قالب يك خانواده و تجربه‌ی شادی ابدی تبعیت کنند.

بدین ترتیب خدا آدم و حوا را آفرید و در جهت تشکیل خانواده‌ی الگو و تاسیس ایده‌آل صلح، آنها را در مقام اولین اجداد بشری قرار داد. او خود را بطور کامل برای بزرگ کردن آنها بعنوان پسر و دختر خود— پیوند به خود از طریق عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین—فرو گذاشت.

بنابراین اگر آدم و حوا با توجه به خواست خدا به کمال فردی، یعنی کمال شخصیت نائل آمده و با برکت خدا به حوزه‌ی عشق زناشویی پا می‌گذاشتند، می‌توانستند به کمال یگانگی با او نائل شوند. آنگاه خدا در اتحاد آنها ساکن می‌شد و همچنین فرزندان آنها به این نظم مقدس عشق مرتبط بوده و از يك رابطه‌ی مستقیم با خدا بعنوان والدینشان بهره‌مند می‌شدند. بعبارت دیگر، ازدواج آدم و حواي کامل، ازدواج خود خدا می‌شد. آدم تجسم خدا، حوا تجسم خدا شده، آنها بدن جسمی خدا شده، و خدا با سکونت در وجود درونی آنها، بطور همزمان، والدین راستین بشری در دو دنیای روح و جسم می‌شد.

اهمیت نسب خونی

اما آیا می‌دانید که چه چیزی به بیشترین حد قلب خدا را بدر آورد و باعث شد تا او در طول تاریخ از زمان سقوط آدم و حوا، رنج عظیمی را تحمل نماید؟ رویدادی که با آن نسب خونی خدا پایمال شد و همراه با آن اساس رابطه‌ی برادری و خواهری بشری از بین رفت و حتی مالکیت بر آفرینش نیز از دست رفت. نسب خونی را که حتی با زندگی نمی‌توان مبادله نمود نابود شد. یعنی اینکه میوه‌های زندگی راستین و عشق راستین هرگز نرسیده و برعکس در فقدان هرگونه ارتباط با خدا، میوه‌های شیطان شدند و شش میلیارد و پانصد میلیون انسان روی زمین در این زمان همه از بازماندگان آنها هستند.

خانمها و آقایان، نسب خونی بسیار مهمتر از زندگی و بسیار با ارزشتر از عشق است. در اتحاد عشق و زندگی است که نسب خونی وجود می‌آید. در صورت عدم حضور هر يك از آنها، نسب خونی نمی‌تواند بنا نهاده شود. بنابراین در میان عشق، زندگی و نسب خونی، نسب خونی میوه و ثمره می‌باشد. نسب خونی خدا دربرگیرنده‌ی بذر عشق راستین بوده و همینطور فراهم آورنده‌ی محیط زندگی راستین نیز می‌باشد. از اینرو برای اینکه ما مردمی ایده‌آل آنچنانکه در رویای خدا است، یعنی انسانهایی با شخصیت ایده‌آل شده و خانواده‌های ایده‌آل بوجود آوریم، نخست لازم است تا به نسب خونی او مرتبط شده، بسان خدای ایده‌آل، انسان ایده‌آل شده، خانواده‌هایی ایده‌آل را بوجود آورده و در گامی فراتر موطن خدا یا کشور ایده‌آل او شکل خواهد گرفت. تاسیس پادشاهی بهشتی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز اینچنین صورت خواهد گرفت.

لطفاً به خاطر بسپارید که هر چقدر هم در مورد اهمیت نسب خونی توضیح بدهیم، بسنده نخواهد بود. زیرا رابطه‌ی والدین و فرزند و الاثرین و مهمترین تمامی روابط است. باید این نکته را بخوبی بدانید که رابطه‌ی عمودی والدین - فرزند تنها راهی است که نسب خونی خدا می‌تواند واگذار شده و برای ابدیت تداوم داشته باشد.

اما برعکس، عشق کاذب، زندگی کاذب و نسب خونی کاذب در آن جایگاه ظاهر شدند. عشق، زندگی و نسب خونی خدا در دستان شیطان زناکار، دشمن عشق راستین قرار گرفت. بهشت و زمین نور خود را از دست داده و به جهنم مبدل شدند، حتی خدا از دست رفت، دنیا جایگاه بدبختی و تاسف شد و بشریت تا به امروز در این مورد در نادانی بوده است. آنها در این اعتقاد فریب خوردند که نسب خونی دشمن آن خط زندگی است که دنیا به آن توکل کرده است. این حقیقت تاسف‌بار انسان‌های بازمانده از سقوط است. به این دلیل ما این دنیا را جهنم روی زمین خطاب می‌کنیم.

در مشاهده‌ی چنین تصویر غمبار بشری، قلب خدا چقدر مملو از درد و رنج است؟ بواسطه‌ی سقوط نسب خونی، حق نخست زادگی و حق مالکیت تحت تسلط حوزه‌ی شیطانی قرار گرفت. خدا بسان پدری است که تمامی زندگی‌اش را برای انبوختن دارایی و سرمایه برای فرزندانش بسختی کار کرده است، اما دزدی سر رسیده تمامی آنها را در طی يك شب می‌رباید. خدا اینگونه نسب خونی خود را از دست داد، فرزندانش را از دست داد، و تحت فشار قرار گرفت تا مالکیت کشورها و دنیا را به شیطان واگذارد، و کسی وجود ندارد که بتواند قلب مملو از درد و اندوه خدا را درك کرده باشد.

اما تنها يك راه برای بازسازی حوزه‌ی نسب خونی، حق نخست زادگی و حق مالکیت وجود دارد و آن واداشتن شیطان به تسلیم شدن دواطلبانه است. راز انجام چنین چیزی چیست؟ تنها با قدرت عشق راستین، یعنی "دشمن را از فرزند خود بیشتر دوست داشتن"، می‌توان چنین کرد.

عشق راستین

در این صورت عشق راستین چیست؟ اساس و پایه‌ی عشق راستین نه گرفتن بلکه دادن، یعنی زیستن برای دیگران و برای خاطر عموم می‌باشد. عشق راستین داده و آنچه را که داده فراموش کرده و بدون توقف به دادن ادامه می‌دهد. عشق راستین با شادی می‌دهد. ما می‌توانیم آن را در شادی و قلب دوستداشتنی مادری بیابیم که در آغوشش برای کودک خود لالایی خوانده و از پستانش به او شیر می‌دهد. عشق راستین، عشقی فداکار است، آنجا که پسری خلف زمانی به بالاترین حد از رضایت نائل می‌آید که به والدین خود کمک کند.

وقتیکه ما در عشق راستین به هم پیوند خورده باشیم، قادر خواهیم بود تا برای همیشه از بودن با هم لذت برده بگونه‌ای که جاذبه‌ی آن تمامی مخلوقات موجود در جهان هستی و حتی خدا را بسوی ما خواهد کشاند. نیرویی که می‌تواند تمامی مرزهای آفریده شده توسط انسانهای سقوط کرده، از جمله مرزهای ملی، مرزهای نژادی و حتی مرزهای مذهبی را برای ابدیت از بین ببرد، ارزش عشق راستین می‌باشد.

خصوصیت اصلی عشق راستین خدا، مطلق، یگانه و تغییرناپذیر بودن آن است، آنچنان که هر کسی که با عشق راستین با خدا زندگی کند، در شادی او سهیم شده و از حق شراکت یکسان در کار او بهره‌مند شود. بدین ترتیب شرط لازم و مطلق برای ورود به پادشاهی بهشتی، "زندگی برای خاطر دیگران" یعنی يك زندگی عشق راستین است.

پادشاهی بهشتی و خانواده

خانمها و آقایان، بهشت چگونه جایگاهی است؟ بطور خلاصه، بهشت دنیایی مملو از عشق راستین خدا است، عشق راستین محور آن است، عشق راستین چه در اندیشه‌های درونی و چه در ابراز احساسات بیرونی، در همه جا هست، زندگی همگان از آغاز تا به پایان لبریز از عشق است. مردم بهشتی بواسطه‌ی عشق راستین بدنیا آمده، در آغوش عشق راستین زیسته و تا زمان ورود به دنیای بعدی یعنی دنیای روح از راه عشق راستین پیروی می‌کنند.

در نتیجه در هیچ نقطه‌ای از آن دنیا نمی‌توان خصومت و حسادت را مشاهده کرد، بلکه در آن مردم بطور طبیعی برای خاطر یکدیگر زندگی می‌کنند. آن دنیا، دنیای تحت کنترل پول و مقام و قدرت نیست. در بهشت موفقیت فرد نماینده ی موفقیت عموم است، علاقه‌ی فرد نماینده‌ی علائق همگانی است و شادی فرد نماینده‌ی شادی همگانی است.

بهشت دنیای مملو از هوای عشق است، جایی که همگان عشق تنفس می‌کنند و زندگی آنها در هر جا و در هر زمانی با عشق می‌تپد. شهروندان بهشتی بواسطه‌ی عضویت همگانی در نسب خونی خدا، همه به تمامی به یکدیگر مرتبط هستند. آنجا دنیایی است که در آن، بسان سلولها در بدن جسمی ما يك رابطه‌ی نامرئی موج می‌زند. عشق راستین یعنی عشقی که اساس وجود خدا است، تنها قدرت حاکمیت او است. بر این اساس خدا نیز برای خاطر عشق راستین می‌زید.

خانمها و آقایان، اکنون شما باید يك زندگی شیفته‌ی عشق راستین را پیش بگیرید. باید يك زندگی را پیش گرفت که در آن خدا را بیشتر از آدم و حوا، بیشتر از عیسی دوست بدارید. شما با تحقق کامل عشق راستین، باید روح و جسم خودتان را متحد ساخته و با هر کسی در اطرافتان روابط عشق راستین بوجود آورید. عبارت دیگر، بواقعیت درآوردن يك خانواده‌ی راستین بر روی زمین، جایی که اینگونه والدین راستین، برادر و خواهر راستین و فرزندان راستین، لاقل در قالب سه نسل با هم متمرکز بر عشق راستین زیسته و (به دنیای روح) وارد می‌شوند، پادشاهی بهشتی خوانده می‌شود.

يك خانواده‌ی متشکل از سه نسلی که با هم زندگی می‌کنند

در حین اینکه شما در پی خانواده‌ی اصیل از دست رفته هستید، باید در مقام آدم کامل، در مقام عیسی و همبطن در مقام سرور در ظهور دوباره قرار بگیرید. آن خانواده جایگاه سکونت خدا بود. در آن خانواده سه نسل پدربزرگ و مادر بزرگ، والدین و فرزندان در هماهنگی خواهند زیست. در آنجا باید در ملازمت به پدربزرگ در مقام نماینده‌ی ریشه‌ی تاریخی اجدادمان زندگی کنیم.

خانمها و آقایان، خانواده الگوی زیستن با یکدیگر است. لانه‌ی زیستن همراه با عشق و احترام بین والدین و فرزند، عشق و وفاداری بین شوهر و زن، اعتماد و اتکاء بین برادران و خواهران، همین خانواده‌ی الگو و ایده‌آل خوانده می‌شود. این نکته به این معنا است که شما باید خانواده‌ی راستینی را تاسیس کنید که در آن با ریشه دواندن عشق راستین، ساقه‌های عشق راستین جوانه زده و به میوه می‌نشیند.

در چنین خانواده‌هایی ریشه‌ی تاریخ زیسته و پادشاهی بهشتی ریشه می‌دواند. جایگاه ریشه گرفتن پادشاهی بهشتی

بر روی زمین، چنین خانواده‌هایی است. آنجا همینطور جایی است که ریشه‌ی پادشاهی بهشتی در آن برای ابدیت استقرار می‌یابد. پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزند، نماینده‌ی ریشه‌ی گذشته، حال و آینده هستند. ریشه‌ی گذشته نماینده‌ی دنیای روح، ریشه‌ی حال قصر پادشاهی نماینده‌ی دنیای امروز است، و ریشه‌ی آینده پسران و دختران بعنوان شاهزاده و شاهدختها می‌باشد و ما با تاسیس چنین خانواده‌هایی، قصر صلح، نماینده‌ی هماهنگی دو دنیای روح و دنیای جسم را برپا می‌کنیم.

باید بدانیم که در این حالت، سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزند باید در قالب یک خانواده با یکدیگر در ملازمت به خدای ابدی زیسته و خانواده‌ی چنان ایل گوگ مورد نظر خدا را، بعنوان جزئی از مسئولیت‌هایمان بعنوان ناجیان قبیله‌ای و سفیران صلح تاسیس کنیم.

خانمها و آقایان، شما باید خانواده‌هایی را برپا کنید که خدا در صورت دوری، با دل‌تنگی در آرزوی بازگشت به آن باشد. بسان هر والدینی در دیدار از فرزندانش، او باید از دیدار با خانواده‌ی شما احساس آرامش داشته باشد. این به معنای زیستن در ملازمت به خدا است.

خدا در چنین خانواده‌ای، فاعل عمودی وجدان شما شده، و وجدان شما در تبعیت از آن فاعل، خود فاعل عمودی بدن جسمی شما شده و اتحاد روح و جسم را به ارمغان می‌آورد. در چنین جایی می‌توان عشق والدینی، عشق زناشویی، عشق فرزندی، عشق برادری و خواهری، یعنی همان چهار حوزه‌ی قلب را مشاهده نمود. آن خانواده تمامی جهات—بالا و پایین، جلو و عقب، راست و چپ—را به هم مرتبط ساخته و آنها در یک حرکت دورانی برای ابدیت بدور هم می‌گردند. این خانواده‌ی ایده‌آل الگو و ابدی خدا است که در قالب کشورهای ایده‌آل الگو و پادشاهی صلح آمیز او گسترش خواهند یافت. اگر تمامی دنیا از چنین خانواده‌هایی پر شده باشد، آنجا دنیای منظمی خواهد بود که در آن مردم بدون هیچ نیازی به وکیل، دادستان و یا حتی قاضی، از طریق راه بهشتی و قوانین بهشتی هدایت خواهند شد.

برکت ازدواج بین مردم با فرهنگهای مختلف

خانمها و آقایان محترم، بندگی ما به نسب خونی شیطان، مسبب رنج و عذاب ما در تمامی طول تاریخ بوده است. ما برای از بین بردن آن باید با سرسختی به پیش تاخته و به ریشه‌ی نسب خونی والدین راستین پیوند بخوریم. دیگر بیش از این نباید احمقانه بسان درختان زیتون وحشی به زندگی ادامه داده و بمیریم. یک درخت زیتون وحشی هزاران سال هم که زندگی کند تنها بذره‌های درختان زیتون وحشی بیشتری را تکثیر خواهد کرد. در این صورت در کجا می‌توان راهی برای گریز از وابستگی به درختان زیتون وحشی یافت؟

دریافت برکت ازدواج از جانب والدین راستین، که با نسب خونی راستین ظهور نموده‌اند، همان پیوند خوردن به درخت زیتون راستین می‌باشد، زیرا بدون تغییر نسب خونی، نمی‌توان نطفه را تغییر داد. اما برکت مقدس در سه مرحله ی تولد دوباره، رستخیز و زندگی ابدی^۲ دریافت می‌شود. بهترین راه، ازدواج بین فرهنگها با دریافت برکت مقدس از جانب والدین راستین، دریافت نطفه پاک تشکیل خانواده‌ی ایده‌آل و تولد دادن به فرزندان پاک و بیگناه می‌باشد.

این ازدواجها در جهت انجام وظیفه‌ی بسیار مهم رفتن به ورای مرزهای نژادی، فرهنگی، قومی، مذهب و اخلاقیات و آفرینش یک خانواده‌ی بشری سهم بسزائی دارند. در دید خدا هیچ تفاوتی در رنگ پوست (در نژادهای مختلف) وجود ندارد. او مرزهای ملی را برسمیت نمی‌شناسد، در دیدگان او مرزهای مذهبی و فرهنگی را نمی‌توان دید. اینها جز حقه‌های شیطان—که بعنوان والدین کاذب دهها هزار سال بر بشریت حکمرانی کرده است—چیزی بیش نیستند.

شما ماموریت دارید تا به اعضای خانواده و قبیله‌تان آموزش بدهید که برکت ازدواج مقدس بین افراد از فرهنگهای متفاوت بر روی زمین، راه نهایی برای تاسیس دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز است. خانواده‌ها و قبایل شما همه باید به حوزه‌ی برکت ازدواج مقدس بپیوندند.

خانمها و آقایان، اکنون موقعیت شما تغییر کرده است. اکنون راه برای شما به گشادگی باز است تا از طریق مراسم شربت مقدس بنیان نهاده شده توسط والدین راستین نسب خونی را تغییر داده و خانواده‌های راستین را بنا کنید.

به این خاطر تمامی بشریت باید با شرکت در این مراسم برکت ازدواج بین فرهنگها در سطح جهانی نسب خونی خود را تغییر بدهند، بعلاوه این ازدواج به افراد هابیلی نزدیکتر به حوزه‌ی الهی، توانائی می‌دهد تا جایگاه هابیلی برادر بزرگتر یعنی نظم اصیل را بنا کنند.

مراسم برکت ازدواج مقدس بین فرهنگها بهترین راه برای بازسازی بشریت در نیل دوباره به مقام فرزندان خدا است. این مراسم است که تمامی بندهای عداوت و کینه را از بین برده و بعد تازه‌ی نسب خونی بهشتی را می‌آفریند. این یک مراسم و تشریفاتی مقدس برای تغییر نسب خونی است که خدا—در جهت هدایت مشیت الهی بر روی زمین، از طریق والدین راستین، پادشاه و ملکه‌ی صلح و تجسم واقعی خدا—به انجام می‌رساند.

نهضت صلح والدین راستین

من تمامی زندگی‌ام را برای آموزش نحوه‌ی اجرای عشق راستین خدا یعنی راه "زیستن برای دیگران" فدا کرده‌ام. این امر بعنوان یک اصل اولیه نه تنها در افراد، بلکه در خانواده، جامعه تا کشور در تمامی سطوح کاربرد دارد.

رهبران محترم جهانی، من امروز با استفاده از این فرصت بسیار مهم یکبار دیگر بر پیشنهادی تصریح می‌کنم که برای یک پروژه‌ی برآستی انقلابی و مشیتی داشته‌ام. من برای خاطر صلح و کامیابی بشری و همچنین تاسیس موطن و

^۲ یعنی از طریق مراسم شربت مقدس، مراسم برکت و مراسم سه روز

زادگاه اصل خدا، پیشنهاد می‌کنم که يك گذرگاه بر روی تنگه‌ی برینگ—که با بقایای جدایی تاریخی شیطان بین شرق و غرب، شمال و جنوب و جایی که سرزمینهای پهناور آمریکای شمالی و شوروی از هم جدا می‌شوند—بنا کنیم. این گذرگاه که من آن را "تونل و پل پادشاه صلح دنیا" نام نهاده‌ام، مرتبط کننده‌ی يك سیستم بزرگراه بین‌المللی است که به مردم اجازه خواهد داد تا از دماغه‌ی امید در آفریقا تا سانتیاگو شیلی، و از لندن تا نیویورک بر روی زمین و از روی تنگه‌ی برینگ—که دنیا را بسان يك اجتماع واحد بهم مرتبط می‌سازد—سفر کنند.

فرارسیدن پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز

رهبران و سفیران صلح محترم از تمامی سطوح زندگی، شما اکنون در يك دوره‌ی زمانی متبرک و والای تاریخ زندگی می‌کنید. عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی فرارسیده است. من آغاز بهشت تازه و زمین تازه، یعنی عصر "پادشاهی دنیای ایده‌آل و صلح‌آمیز" را اعلام می‌کنم، چیزی که میلیاردها نفر از اجداد شما در دنیای روح که قبل از این بر روی زمین آمده و رفته‌اند، برای مدت‌های بسیار در انتظارش بوده‌اند. چهار مؤسس بزرگ مذهبی و البته میلیاردها نفر از اجداد خوب شما برای راهنمایی شما در مسیر بهشتی به روی زمین آمده‌اند. عصری که در آن دنیای فاسد و سقوط کرده انسانها را به تباهی کشانده و به مردم پلید اجازه می‌دهد که بهتر از دیگران زندگی کنند، سپری می‌شود.

هدف نهایی همگی ما یافتن و تاسیس آن کشور و آن روابطی است که در آن بتوان در ملازمت به خدا در مقام مرکزی زندگی کرد. آن کشور چگونه کشوری است؟ آنجا پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز یعنی کشوری است که تجسم يك خانواده‌ی راستین همراه با سه نسلی است که با هم در هماهنگی، اعتماد، احترام و حمایت از یکدیگر زیسته و در عشق یکی می‌شوند. بعبارت دیگر، آن کشور جایی است که بشریت در تمامی اعصار در آرزوی آن بوده، یعنی همان مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر برای حاکمیت خدا است.

این نکته به این معنا است که ما به يك نهضت برای تحقق يك جامعه‌ی بر اساس همبستگی، کامیابی متقابل و ارزشهای جهان شمول نیاز داریم، که از خانواده آغاز می‌شود. بنابراین لازم است تا ما با فروریختن دیوارها در قلبهایمان و حتی با از بین بردن مرزهای ملی، خانواده‌ی راستین را برپا نموده تا بتوانیم برای تاسیس پادشاهی فدراسیون صلح جهان شمول مشیت شده بر روی زمین به پیش برویم.

در خاورمیانه بعنوان، یکی از انبارهای باروت دنیا، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان منابع و ابتکاراتی را در فلسفه‌ی صلح من یافته‌اند که در بعد تازه‌ی گفتگوها بکار گرفته شده‌اند. در دهه‌های گذشته "اندیشه‌ی هماهنگ" نقش بسزایی در پایان دادن به جنگ سرد داشته است. اکنون من با موفقیت تلاشهای پشت صحنه برای اتحاد دوباره‌ی کشور زادگاهم کره را رهبری می‌کنم.

اما من هنوز راضی نیستم، زیرا زندگی‌ام را با فرمان خدا آغاز کرده‌ام. من بعنوان والدین راستین بشری، تدهین شده از جانب خدا آمده و مصمم هستم تا عهد خود را در برابر او به انجام برسانم. من برآنم تا تمامی مرزهای جدایی ملی که کره‌ی زمین را مسموم ساخته محو کرده و پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز را بنا کنم، جایی که در هر گوشه‌ی آن تمامی مردم قادر خواهند بود تا دست در دست یکدیگر زندگی کنند.

ماموریت ما

عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی، که خدا و والدین راستین آن را گشوده‌اند، يك دوره‌ی زمانی همراه با تغییرات مهیجی است. شما ماموریت دارید تا این عهد را شکوفا ساخته و در برکت و شکوه به میوه برسانید. بنابراین لطفاً ماموران مخفی بهشتی بشوید که ماموریت دوگانه‌ی "نیروی پلیس پادشاهی صلح" و "پاسداران پادشاهی صلح" را به انجام برسانید، و تحت پرچم فدراسیون صلح جهانی به بشریت خدمت نمایید که در این مراسم اولین سالگرد افتتاح آن، نقش سازمان ملل نوع هابیلی را در سطح جهانی بعهده می‌گیرد. بجز شما دیگر چه کسانی می‌توانند خانواده‌های برکت گرفته و این کره‌ی متبرک زمین را که خدا به ما ارزانی داشته است، مورد حمایت و حفاظت قرار خواهند داد؟

خانمها و آقایان، من گفتم که عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی عصری است که ما در آن باید با دریافت برکت ازدواج از جانب والدین راستین، نسب خونی راستین از دست رفته در زمان سقوط آدم را بازسازی کنیم. عصری است که در آن مشیت برکت باید از طریق پنج مرحله‌ی فردی، خانوادگی، قبیله‌ای، نژادی و ملی به انجام برسد. بیایید تا در این راه، با بازسازی و تاسیس خانواده‌ی سه نسل ایده‌آل در سطح دنیا، ماموریت الهی خود را بعنوان خانواده‌های برکت گرفته در عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی به انجام برسانیم. عیسی بر روی زمین ظهور نمود و قبل از رفتن به دنیای روح در پی انجام همین هدف مشابه بوده است.

بنابراین من اکنون تمامی ناجیان قبیله‌ای و ناجیان ملی را در جهت اتحاد و همچنین پایان دادن به روابط نادرست بین حوزه‌ی سیاسی، نماینده‌ی حوزه‌ی قبایلی، و حوزه‌ی مذهبی، نماینده‌ی حوزه‌ی هابیلی را هدایت می‌کنم. من با این خواست مشیتی در ذهن و فکرم، اعلام می‌کنم که دومین "قصر صلح چان جانگ گون" برای حوزه‌ی مذهبی در شهر ژنو در کشور سوئیس—شهری با اهمیت تاریخی در ارتباط با روابط حوزه‌های سیاسی و مذهبی—بنا شود.

فدراسیون مردم مغول در برگرفته‌ی هفتاد و چهار درصد از جمعیت جهان نیز باید این نکته را به خاطر بسپارد که در این عهد مشیت شده‌ی کنونی، با بازسازی دنیا از طریق دادن برکت، وظیفه‌ی خود را به انجام رسانده و به درگیریهایی قابل و هابیل که با اولین خانواده‌ی بشری آغاز شد، پایان بدهد.

خانمها و آقایان، آن دوره‌ی زمانی مشیت شده فرا رسیده است که متمرکز بر مادر دو برادر، هابیل و قابیل یگانه

شده و با بازسازی مقام اصیل خود، آنها باید خود را برای بازسازی خانوادگی ایده‌آل اصیل در برابر والدین راستین یعنی پادشاه و ملکه‌ی صلح جهانی وقف کنند. لطفاً این نکته را در قلبتان حك نموده و ثبت نمایند که شما در دوره‌ی زمانی زندگی می‌کنید که در آن خدا به شما ماموریت می‌دهد تا از طریق بازسازی خانوادگی ایده‌آل و راستین، حوزه‌ی عشق برادری و خواهری و حق مالکیت—که بواسطه‌ی سقوط اجداد بشری در اختیار شیطان قرار گرفته بود—را به پیشگاه خدا پیشکش کنید.

لطفاً شاهزاده و شاهدخت‌هایی بشوید که در ملازمت به خدا، پادشاه صلح میلباردها انسان، در مقام والدین راستین خود زیسته و در ملازمت به والدین راستین، پادشاه و ملکه‌ی صلح آزادی کامل (از بندهای درونی) و رهایی کامل (از بندهای بیرونی)، آن پادشاهی ابدی صلح را بنا کنیم که در آن بدون هیچ نیازی به نجات دهنده، مسیح یا ظهور دوباره، وظیفه‌ی راه خانوادگی فرزندان خلف، میهن پرست، مقدسین و پسران و دختران الهی خدا را به انجام خواهیم رساند.

بیایید با انجام این امر، پیروزی والدین راستین، یعنی کمال بازسازی از طریق غرامت حوزه‌ی سه نسل را از جانب والدین راستین به ارث برده و دنیای اصیل قبل از سقوط را به کمال برسانیم.

بیایید تا برای به ارمغان آوردن استقرار کامل حوزه‌ی ایده‌آل جهانی آزادی کامل (از بندهای درونی) و رهایی کامل (از بندهای بیرونی)، با برپا داشتن خانواده‌های ایده‌آل الگو و ترویج صلح و کامیابی مطلق، یگانه، تغییرناپذیر و ابدی، يك پادشاهی خوبی، موطن صلح‌آمیز جهانی را بنا کنیم که برای ابدیت مورد ستایش قرار خواهد گرفت.

برکات خدا همواره شامل حال خانواده و کشور شما و تمامی دنیا باشد.
متشکرم